



www.ketab.ir

چراغ‌های روشن‌شده

مجموعه فائزه ساسانی نوری

خاطرات زهره فرهادی

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

دفتر ادبیات و هنر مقاومت



چراغ‌های روشن شهر

خاطرات زهره فرهادی

نویسنده: قاترزه ساسانی خواه

چهار جلد: سی‌اشار

چاپ: محافی، لیتوگرافی؛ واژه پرداز اندیشه، چاپ اندیشه

چاپ اول

شمارگان: ۱۰۰

شماره: ۱۰

شماره: ۱-۲۸۹۳، ۶۰۰-۹۰

سرشناسه: فرهادی، زهره، ۱۳۴۱-۵

عنوان و نام پدیدآور: چراغ روشن شهر: خاطرات زهره فرهادی /

نویسنده: قاترزه ساسانی خواه

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۵۴۲ص.

فروست: دفتر ادبیات و هنر مقاومت، جنگ ایران و عراق، ۳.

خاطرات: ۲۲۴

ISBN: 978-600-2893-1-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: خاطرات زهره فرهادی.

موضوع: فرهادی، زهره، ۱۳۴۴- -- خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Personal narratives

شناسه افزوده: ساسانی خواه، قاترزه، ۱۳۵۷- -- مصاحبه‌گر

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده‌بندی کنگره: ۱۳۴۸ / ۲۲۲۳۳ / ۱۶۲۹ DSR

رده‌بندی دیوبی: ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۵۹۴۲۶۹

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشته‌پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش (بج خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.soorhemehr.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۹	سخن راوی
۱۳	مقاله
۲۱	فصل اول
۴۱	فصل دوم
۶۷	فصل سوم
۷۷	فصل چهارم
۹۷	فصل پنجم
۱۰۱	فصل ششم
۱۱۹	فصل هفتم
۱۳۳	فصل هشتم
۱۴۷	فصل نهم
۱۶۱	فصل دهم
۱۷۳	فصل یازدهم
۱۸۹	فصل دوازدهم
۲۱۵	فصل سیزدهم
۲۳۱	فصل چهاردهم
۲۵۵	فصل پانزدهم
۲۶۵	فصل شانزدهم

۲۷۹	فصل هفدهم
۲۸۹	فصل هجده
۳۰۱	فصل نوزدهم
۳۰۹	فصل بیستم
۳۱۷	فصل بیست و یکم
۳۲۷	فصل بیست و دوم
۳۳۷	فصل بیست و سوم
۳۶۵	فصل بیست و چهارم
۳۸۵	فصل بیست و پنجم
۳۹۷	فصل بیست و ششم
۴۰۹	فصل بیست و هفتم
۴۲۳	فصل بیست و هشتم
۴۴۷	فصل بیست و نهم
۴۵۷	فصل سی ام
۴۸۱	مصاحبه حضوری با سید رسر حسینی راوی کتاب دا
۴۸۵	مصاحبه تلفنی با حاج سید عبداللہ سعادت، آبان ۱۳۹۴
۴۹۱	مصاحبه حضوری با امیر ثامری، اردیبهشت ۹۳
۴۹۵	مصاحبه حضوری با مریم جدلی (شیدا) از امدادگران، اوطلب استان تهران
۵۰۱	مصاحبه تلفنی با روح انگیز حیاتی
۵۰۵	مصاحبه تلفنی با سهیلا افتخارزاده از امدادگران بیمارستان نالقانی و پرستار
۵۰۷	فعلی همان بیمارستان، بهار ۱۳۹۴
۵۰۷	به نقل از کتاب یکشنبه آخر، خاطرات معصومه رامهریزی
۵۴۱	فهرست منابع

مقدمه

سال‌ها قبل، رقتی رسانه ملی راهپیمایی‌های باشکوه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و مردمی‌های مردمی در دوران جنگ را نشان می‌داد، به حال افرادی که در تحقیر پیروزی و حفظ انقلاب اسلامی سهمی داشتند غبطه می‌خوردم و حسرت همراهی با مردم آن روزگار در آن دوران حساس بر دلم بود.

سال‌ها از چنین آرزویی گذشته بود که شهریور ۱۳۹۲، سرکار خانم سیده اعظم حسینی، مسئول واحد زنان دفتر اداری و هنر مقاومت حوزه هنری، پس از مطالعه کتاب تا صور اسرافیل که نگارش خاطراتم از سفر عمره بود با من تماس گرفتند و پیشنهاد تکیه بر آزنویسی خاطرات سرکار خانم زهره فرهادی، یکی از دختران املادگر و مدافع خرمشهر در سال‌های آغازین جنگ تحمیلی را به من دادند. به طوری که آرزوی حضور در آن دوران را داشتم اما زمان بین من و آن سال فاصله انداخته بود.

متنی که به دستم رسید حاصل جلسات مصاحبه خانم‌ها زهرا حاج صادقی و سیده اعظم حسینی طی سیزده ساعت و بیست دقیقه

بود که در دهه هشتاد برگزار شده و توسط خانم صادقی نوشته شده بود و به تکمیل و نگارش مجدد نیاز داشت. با وجود این مجذوب آن شدم؛ زیرا همیشه خاطرات پسران کم‌سن و سالی را که برای رفتن به جبهه در شناسنامه‌هایشان دست می‌بردند یا با ترفندهای گوناگون به جبهه می‌رفتند شنیده یا خوانده بودم، اما این بار در آن با دختری روبه‌رو شدم که از بسیاری از پسرهای زمان خودش جلوتر بود. علاوه بر سن کم راهی، در خاطرات نکاتی مطرح شده بود که در دیگر کتاب‌هایی که خوانده بودم یا به آن اشاره نشده یا خیلی کم به آن پرداخته شده بود. مگر این اتمام این کار را پذیرفتم. به این ترتیب، وظیفه سنگینی بر دوشم افتاد.

در اولین گام به جست‌وجو و کارشناس واحد زنان، کتاب‌های خاطره بانوان حاضر در دفاع مقدس را مطالعه کردم تا بیشتر با کار خاطره‌نگاری دفاع مقدس آشنا شوم. البته این کتاب‌ها علاوه بر آشنایی با فضای جنگ و جغرافیای مناطق درگیر با جنگ در طرح سؤالات جدید و تکمیل اطلاعات مؤثر بود و در طی این مرحله به نگارش چندین بار به بعضی از آنها مراجعه کردم.

اما عمده‌ترین مسئله تکمیل مصاحبه‌ها بود. از این مرحله مصاحبه از دی ۱۳۹۲ در تهران آغاز شد. دومین مرحله در اردیبهشت ۱۳۹۳، سومین مرحله در آبان ۱۳۹۳، چهارمین مرحله مصاحبه در آبان ۱۳۹۴ و آخرین مرحله آن که شامل سؤالات جزئی بود در شهریور ۱۳۹۵ انجام شد. همه چیز براساس سیر زمانی مشخص و از دوران کودکی شروع شد. بخشی از سؤالات جدید و بخشی از سؤالات داده‌های قبلی را تکمیل و جزئیات جامانده یا مبهم در آن را کامل می‌کرد. تکمیل خاطراتی که سایه روشنی از آن را در ذهن داشتند برای هر دوی ما

بسیار سخت بود. روند مصاحبه به‌کندی جلو می‌رفت؛ زیرا سؤالات باید بسیار جزئی‌تر پرسیده می‌شد و پاسخ آن از لابه‌لای کلمات و جملات کوتاه جمع می‌شد که پس از پیاده شدن متن مصاحبه در کنار هم قرار می‌گرفت. خستگی مانع نمی‌شد که کار نیمه‌تمام باقی بماند و هر دو با صبوری کار را پیش می‌بردیم. در برخی موارد برش‌هایی از کتاب‌هایی را که خوانده بودم در حین مصاحبه برای یادآوری اسامی افراد، مکان‌ها یا خاطرات می‌خواندم. برای تکمیل خاطرات دو سفر آبادان و خرمشهر و یک سفر به اهواز داشتم. اولین سفر در فروردین ۱۱۹۳ به مدت پنج روز و دومین سفر در بهمن ۱۳۹۴ به مدت یازده روز صورت گرفت که در شناخت جغرافیای شهرهای ذکرشده بسیار مؤثر بود. تحقیقات کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع رسمی دست اول مانند اطلس خرمشهر، خرمشهر در جنگ طولانی، آبادان در جنگ، تقویم تاریخ دفاع مقدس و مطالعه کتاب‌های خاطرات جنگ در مورد خرمشهر و آبادان و همچنین مراجعه به عکس‌ها، دستیابی به نقشه این دو شهر برای تسلط هرچه بیشتر و استفاده از آن در حین مصاحبه از دیگر برنامه‌هایم بود که بخشی از این اطلاعات در پاورقی استفاده شد. به‌طور کلی بیش از پنجاه کتاب مرتبط با این اثر را مطالعه کردم؛ ضمن اینکه تمام مصاحبه‌های سرکار خانم فرهادی با سایت‌ها، روزنامه‌ها و مؤسسه روایت فتح را جمع‌آوری کردم و از آنها در صورت وجود اطلاعات جدید در تدوین اثر استفاده کردم. سرکار خانم فرهادی و دختر عمویشان اشرف فرهادی در مجموع دو ساعت با مجموعه روایت فتح صحبت کرده بودند.

قسمت‌هایی از متن کتاب که در آن روز و تاریخ به صورت دقیق نوشته شده با استفاده از تقویم آن سال‌ها، دفتر بنیاد شهید و پرسش از

خانواده شهدا به دست آمد.

در کنار مصاحبه با خانم فرهادی، برای روشن شدن ابعاد بعضی از خاطرات با بسیاری از افرادی که اسمشان در خاطرات آمده مصاحبه انجام شد. با بعضی از بزرگواران به صورت حضوری و بعضی دیگر که به آنها دسترسی نداشتیم مصاحبه به صورت تلفنی انجام شد.

متن خاطرات اولین بار در اسفند ۱۳۹۳ تدوین و به مسئول واحد زنان تقدیم شد. این متن که دیگر به لحاظ ساختاری با متن اولیه تفاوت‌هایی بدی داشت، همچنان نیازمند روایت‌های تکمیلی بود. این روایت توسط کارشناس واحد زنان، مشخص و نکاتی که باید رفع می‌شد نوشته شده بود پس از آن درباره نحوه ادامه کار در دفتر حوزه هنری گفت‌وود کردیم.

در اردیبهشت ۱۳۹۴، هفده سوم مصاحبه آغاز شد. در نهایت بیش از هفتاد ساعت از خانم فرهادی و سایرین مصاحبه گرفتیم و با احتساب زمان سیزده ساعت ویست دقیقه مصاحبه اولیه توسط سایر همکاران، در حدود هشتاد و چهار ساعت مصاحبه به انجام شد. متن در سی فصل تنظیم شد. به این منوال، مصاحبه، نگارش و اصلاح چندباره کتاب از آذر ۱۳۹۲ تا پایان خرداد ۱۳۹۷ طول کشید. به سیم‌بندی فصل‌ها براساس برهه‌های زمانی یا موضوعی صورت گرفت. در قسمت انتهایی کتاب گذشته از نقشه‌ها و عکس‌ها برای تأیید گفته‌های راوی مصاحبه‌های حضوری و تلفنی تعدادی از کسانی را که اسمشان در کتاب آمده آوردیم. توضیح این نکته ضروری به نظر می‌رسد که منبع تعدادی از پاورقی‌ها کتاب‌های گوناگون است که مقابل آن، مشخصات منبع را به اختصار نوشته‌ام و در انتهای کتاب به طور کامل آورده‌ام. بخشی از پاورقی‌ها اطلاعاتی است که خانم فرهادی داده‌اند که مقابل

آن کلمه راوی نوشته شده و پاورقی‌هایی که مقابل آن مطلبی نوشته نشده است، اطلاعات آن را خود جمع‌آوری کرده‌ام.

پس از تدوین مجدد فصل‌های ابتدایی، کارشناس واحد متن را مطالعه کرده و نکاتی که نیاز به اصلاح داشت در متن نوشته و پس از اصلاح آن در اختیار سرکار خانم فرهادی قرار گرفت. ایشان ضمن پذیرفتن کلیت اثر نسبت به بعضی از نکات ایرادهایی وارد دانستند، که اصلاح شد. در طی نگارش اثر بارها جلسات متعدد با تماس‌های مکرر تلفنی با کارشناس واحد زنان، سرکار خانم حسینی و همچنین سرکار خانم معصومه رامهرمزی از امدادگران دوران جنگ و کارشناسان خاورنگاری جنگ داشتیم و سؤالات و ابهامات خود، درباره خاطره‌نگاری را مطرح می‌کردم.

باید به این نکته هم اشاره کنم که چنانچه متن کتاب از اطلاعات کلی و سطحی به اطلاعات عمیق و جزئی‌تر رسیده است حاصل اعتمادی است که در طول پنج سال مصاحبه و نگارش این اثر از سوی راوی محترم نسبت به اینجانب به تدریج به وجود آمد. من تمام کوشش‌م را کرده‌ام تا سندیت و اصالت خاطرات خدشه‌دار نشود. از این رو، با وجود نزدیکی اثر به روایت‌های داستانی و استفاده بجا از عناصر برای ایجاد تعلیق و کشش در خوانندگانی که قایع همان است که خانم فرهادی بیان یا تأیید کرده‌اند. تمامی افعال مانده خنده، گریه یا احساساتی مانند ترس یا خشم کاملاً احساس خانم فرهادی است و حتی از تکه‌کلام‌های ایشان استفاده شده است.

اثر نهایی توسط هشت نفر از دوستان مطالعه شد و سؤالات، ایرادها و ابهامات آن رفع و نظر آنها درباره متن بررسی شد. در برخی موارد با توجه به نظرات یا سؤالات آنها احساس می‌کردم متن هنوز

جای کار دارد و سؤالات جدید از خانم فرهادی پرسیده می‌شد. بعد از تکمیل اثر آن را به دفتر ادبیات و هنر مقاومت تحویل دادم. پس از مطالعه کارشناسان این دفتر، باقی‌مانده اشکالات رفع شد.

این کتاب یکی از آثاری است که به جایگاه و نقش دختران و زنان در جنگ تحمیلی می‌پردازد و از این رو قابل تأمل است. زمانی که نگارش این اثر را پذیرفتم، نگاه دیگری به خاطره و خاطره‌نگاری داشتم. نمی‌دانستم این کار چقدر سخت است و تا چه اندازه به مطالعه و پژوهش صبر، حوصله، جزئی‌نگری و دقت نیاز دارد. هنگام نگارش این اثر به سختی کار خاطره‌نگاران و مسئولیت سنگین آنها پی بردم. در واقع خاستن نگاری در کنار مصاحبه با راوی و انجام مصاحبه‌های تکمیلی، نیاز به تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای وسیعی دارد.

در پایان لازم می‌دانم از سرکار خانم زهره فرهادی که مرا امین دانستند و امانتشان را به من سپردند تشکر کنم. امیدوارم شایسته این اعتماد بوده باشم. از سرکار خانم اشرف فرهادی که پس از خانم زهره فرهادی بیشترین همراهی را در تکمیل خاطرات داشتند و همیشه در نهایت گرمی و مهربانی پاسخگوی سؤالاتم بودند تشکر می‌کنم. از سرکار خانم سیده اعظم حسینی سپاسگزارم که مرا در این مسیر سخت اما شیرین آشنا و به من اعتماد کرد و این اثر را به دستم سپرد. تجربه و تخصصش را در اختیارم گذاشت و مرا در روزهای پر زور و پرفشاری این کار همراهی کرد. از سرکار خانم رامهرمزی که حضوری و تلفنی با صبر، حوصله و مهربانی خواهرانه به همه سؤالاتم در خصوص مستندنگاری و خاطرات آن دوران پاسخگو بود و از هیچ کمکی دریغ نکرد و پس از مطالعه کتاب با نظرات دقیق خود مرا مورد لطف و عنایت قرار داد سپاسگزارم. از مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و

ادب پایداری که تمامی امکانات مادی و معنوی اش را در اختیارم قرار داد تا این اثر به سرانجام برسد نیز تشکر می‌کنم.

همچنین از کتابداران و کارشناسان کتابخانه جنگ حوزه هنری به‌ویژه سرکار خانم مرجان مهدی‌پور که با راهنمایی‌های دلسوزانه مرا یاری کردند و نیز از خانم‌ها سیده اعظم حسینی که زحمت ویراستاری کتاب را متقبل شدند، فائزه حسین نظر بابت نمونه‌خوانی و سیده مریم موی که صفحه‌آرایی کتاب را به عهده داشتند، سپاسگزارم.

در پایان از خانواده مهربانم به‌خصوص مادرم که مظهر گذشت و فداکاری است، بزرگ‌ترین استاد و راهنمای زندگی‌ام بوده و هست سپاسگزارم. از بابت کم‌کاری‌هایم در طول مدت نگارش این اثر از آنان عذرخواهی می‌کنم.

امیدوارم این کتاب به‌سبب حمایت خوانندگان را فراهم آورد. چنانچه این اثر به دل مخاطبان محترم نرسد، حصول همراهی افراد بسیاری است و خدا را از این بابت سپاسگزارم. ان‌شاءالله خداوند که نظر لطفش در همه مراحل همراه ما بود از ما راضی باشد.

فائزه ساسانی خواجه (مهدوی خراسانی)

خرداد ۱۳۹۷

fsasanikh@ yahoo.com